

# چشمداشت‌های ترکیه به شمال عراق

□□ دکتر اصغر جعفری ولدانی  
 ■■ از دانشکده امور اقتصادی

بخش دوم

## ترکیه و شمال عراق ۱۹۹۰-۹۵

استان زنجان ایران و قسمت‌های زیادی از خاک شوروی سابق جزو ترکیه بزرگ ترسیم گردیده است. این نقشه با عنوان «نقشه ترکیه در قرن بیست و یکم» منتشر شده است.

نقشه مذکور همراه با بروشوری است تحت عنوان «قدرت جدیدی متولد می‌شود». در این بروشور آمده است: «روند تحولات بین‌المللی ترکیه را با یک فرصت بزرگ تاریخی روبرو کرده است تا به یک ابرقدرت تازه جهانی مبدل شود.» براساس این بروشور، مرزهای جدید ترکیه، مرزهای تاریخی ترکیه را در برمی‌گیرد. به ادعای تهیه‌کنندگان این بروشور امروزه ترک‌ها در منطقه‌ای به وسعت ۲۰ میلیون کیلومتر مربع پراکنده‌اند؛ آنان ۱۶ امپراتوری بزرگ را بنا کرده‌اند و بیش از ۸۰ دولت را در جریان تحولات تاریخی در سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا بنیان نهاده‌اند؛ ترک‌هایی که به عنوان «مردان ضعیف قرن بیستم» تلقی می‌شده‌اند، نقش تراز اولی را در خاورمیانه، بالکان و آسیای مرکزی بازی خواهند کرد؛ ترکیه در مقام سخنگوی نظم نوین جهانی در این مناطق خواهد بود؛ ترکیه جدید، قدرتمند و بزرگ، به وحدت و یکپارچگی ترک‌ها زیر پرچم توران بزرگ در پهنه افق ظاهر می‌شود؛ مردم ترکیه هرگز ارتباط خود را با هموطنان خود در خاورمیانه و ترکستان شرقی فراموش نخواهند کرد؛ ترکیه پیش‌قراول آنان در ایجاد و یکپارچه ساختن کنفدراسیون جمهوری‌های ترک مستقل خواهد بود که سنگ بنای دومین کشور ترک خواهد بود و هلال پرچم ترکیه روی پرچم آن‌ها خواهد درخشید.<sup>۲</sup>

هرچند انتشار مطالب مذکور از سوی مراکز تحقیقاتی ترکیه است و ممکن است گفته شود که بیانگر نظرات رسمی نمی‌باشد، اما واقعیت این است که رهبران ترکیه از همان آغاز بحران خلیج فارس و فروپاشی شوروی، سوادهای بزرگی در ارتباط با قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه در سرپرورنده‌اند. آنان نه تنها در رؤیای به دست آوردن بخشی از امپراتوری عثمانی، بلکه تسلط بر آسیای مرکزی که عثمانی‌ها هرگز موفق به تسلط بر آن منطقه نشدند، بوده‌اند.

در اینجا فرصت بررسی نقش ترکیه در قفقاز و آسیای مرکزی وجود ندارد و فقط دخالت‌های ترکیه در شمال عراق و از سرگیری ادعاهای ارضی این کشور نسبت به موصل مورد بحث قرار می‌گیرد. دخالت‌های ترکیه در این مورد شامل تجاوزات نظامی مکرر به شمال عراق، برقراری تماس با رهبران کردهای عراقی، استفاده از لیر ترک در شمال عراق و سرانجام درخواست تغییر مرزها بین دو کشور می‌شود.

در سال‌های ۱۹۹۰-۹۵ سه عامل عمده موجب توجه مجدد ترکیه به شمال عراق شد. این عوامل شامل فروپاشی شوروی، جنگ خلیج فارس و اعلام نظم نوین جهانی از طرف آمریکا بود. فروپاشی شوروی، ترکیه را از خطری که همواره از ناحیه شمال احساس می‌کرد، رها نمود. مهم‌تر از آن، فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های ترک‌تبار این کشور، اشتباه ملت‌گرایان ترک را برای تأسیس ترکیه بزرگ تحریک نمود.

از سوی دیگر، جنگ خلیج فارس و شکست صدام حسین، موجب تضعیف عراق از نظر نظامی شد و خلأ قدرتی را در شمال آن کشور به وجود آورد. در این میان کشورهای غربی با ایجاد «منطقه امن» در شمال عراق، به ایجاد این خلأ کمک کردند. در این راستا اعزام نیرو از سوی دولت عراق به مناطق شمال مدار ۳۶ درجه ممنوع اعلام شد و این امر نیز فرصت مناسبی برای دخالت در مناطق شمالی عراق در اختیار ترکیه نهاد. به عبارت دیگر، متحدین با جلوگیری از اعزام نیروهای عراقی به مناطق شمالی آن کشور، این وظیفه را به دولت ترکیه محول کردند.

اعلام نظم نوین جهانی از سوی آمریکا نیز در توجه ترکیه به شمال عراق مؤثر بوده است. در نظام دو قطبی اهمیت استراتژیک ترکیه بیشتر به لحاظ همجواری آن کشور با اتحاد جماهیر شوروی بود که با فروپاشی شوروی کم‌رنگ گردید. اما جنگ خلیج فارس و در پی آن اعلام نظم نوین موجب شد که ترکیه مجدداً اهمیت استراتژیک خود را به دست آورد، با این تفاوت که اگر ترکیه در نظام دو قطبی، در خط مقدم در برابر شوروی قرار داشت، این بار خط مذکور از شمال به سمت جنوب، یعنی عراق و به طور کلی خاورمیانه تغییر جهت داد. به عبارت دیگر، ترکیه با دخالت در شمال عراق نشان داد که به صورت بازوی نظامی نظم نوین آمریکا در منطقه خاورمیانه درآمده است.

شرایط مذکور موجب شده که رهبران ترکیه به فکر احیای حداقل بخشی از «امپراتوری عثمانی» بیفتند. در این راستا ترکیه با ایجاد «مرکز تحقیقات ترکیه بزرگ» تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده است. یکی از سازمان‌های ترکیه نقشه «ترکیه بزرگ» را چاپ کرده که در آن بخش‌هایی از عراق، تمامی آذربایجان شرقی و غربی و قسمت‌هایی از

و تعداد نیروهای نظامی ترکیه که در این عملیات شرکت داشتند، تا آن زمان بی‌سابقه بود.

به دنبال آن وزیر دفاع ترکیه اعلام کرد که نیروهای نظامی در عملیات خود در شمال عراق بر ضد کردهای مخالف، به ۸۰ درصد از اهداف خود دست یافته‌اند.<sup>۸</sup> سلیمان دمیرل نیز عملیات ارتش ترکیه در شمال عراق را موفقیت‌آمیز خواند و گفت عملیات ارتش خوب برنامه‌ریزی شده بود.<sup>۹</sup> بموجب اعلامیه دولت ترکیه در عملیات مذکور حدود ۶۰۰ تن از مخالفان دولت ترکیه و بیش از ۶۰ نفر از نیروهای دولتی کشته شده‌اند.<sup>۱۰</sup> در این میان عبدالله اوجلان رهبر پ.ک.ک اعلام کرد که نیروهای آنکارا هیچ یک از پایگاه‌های سازمان وی را در شمال عراق نابود نکرده‌اند.<sup>۱۱</sup> دولت ترکیه هدف تجاوزات مکرر نظامی خود به مناطق شمالی عراق را چنین اعلام نمود:

- ۱- سرکوب چریک‌های حزب کارگران کرد ترکیه مستقر در شمال عراق؛
- ۲- از میان بردن اردوگاه‌ها و توان پشتیبانی آنها در این منطقه؛
- ۳- جلوگیری از ایجاد یک منطقه آزاد در این ناحیه و ممانعت از نفوذ چریک‌های کرد به داخل خاک ترکیه؛
- ۴- نشان دادن عزم قاطع دولت ترکیه در مبارزه با «تروریسم» به جامعه بین‌المللی.

اما بسیاری از کشورهای جهان از همان ابتدای سال ۱۹۹۱ نسبت به اهداف ترکیه در شمال عراق ابراز شک و تردید می‌کردند. آن‌ها اظهار می‌داشتند که استفاده ترکیه از نیروهای نظامی خود با این حجم زیاد، به هیچ وجه تناسبی با سرکوب چند چریک کرد ندارد و ترکیه در پی مقاصد دیگری است که آن را در پوشش سرکوبی کردها دنبال می‌کند. در واقع هیچ کشوری در هیچ جنگی مقاصد نهایی خود را از قبل اعلام نمی‌کند.

نخستین کشوری که آشکارا اعلام کرد ترکیه هدف دیگری غیر از سرکوب کردها را دنبال می‌کند، آلمان بود. کلاوس کینکل وزیر امور خارجه آلمان در این مورد اظهار داشت: «استفاده ارتش ترکیه از ۳۵ هزار نفر سرباز برای انجام عملیات در خاک عراق، این شبهه را به وجود آورده که ترکیه در پی اهداف دیگری در این منطقه است.»<sup>۱۲</sup> ویلیام سامیر تحلیل‌گر روزنامه «نیویورک تایمز» نیز هدف عملیات نظامی ترکیه در خاک عراق را کنترل آن بخش از تأسیسات نفتی شمال عراق که از مهار صدام حسین خارج است، عنوان کرد. وی افزود: «این کنترل شامل خط لوله نفتی «فیش خبور» که حوز نفتی کرکوک را به پایانه نفتی ترکیه وصل می‌کند و از کنترل رژیم عراق خارج شده است نیز می‌شود.»<sup>۱۳</sup>

## بازتاب‌های بین‌المللی تجاوز ترکیه به شمال عراق

تجاوز ترکیه به شمال عراق بازتاب‌های گسترده بین‌المللی داشت و بیشترین مخالفت از سوی کشورهای اروپایی صورت گرفت. کشورهای مذکور ضمن محکوم کردن تجاوز ترکیه خواستار خروج سریع نیروهای نظامی آن کشور از شمال عراق شدند. در این راستا، دولت‌های هلند و نروژ فروش تجهیزات نظامی به ترکیه را به حال تعلیق درآوردند. دولت آلمان نیز سوبسید ۱۵۰ میلیون مارکی خود برای ساخت دو فروند ناو جنگی و همچنین ارسال آخرین بخش از تسلیحات نظامی به آن کشور را متوقف کرد.

به دنبال انتقادات و اعتراضات مذکور وزیر امور خارجه ترکیه در اوائل مه ۱۹۹۵ از کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا دیدن کرد اما نتوانست دولتهای اروپایی را در مورد سیاست کشورش در حمله نظامی به شمال عراق متقاعد کند. در همین مورد وزیر امور خارجه آلمان پس از مذاکره با وزیر امور خارجه ترکیه گفت: «آلمان خواهان داشتن روابط خوب با ترکیه است اما دولت آلمان

با شروع بحران خلیج فارس، دولت ترکیه به متحدین در جنگ با صدام حسین پیوست. حملات نظامی که از خاک ترکیه به عراق صورت گرفت، «عملیات چکش تعادل» نامیده شد. فرماندهی نیروهای ائتلافی مستقر در خاک ترکیه به طور مشترک بر عهده ترکیه و آمریکا بود. در این عملیات که از پایگاه‌های ترکیه مانند اینجرلیک صورت گرفت حدود ۲۰۰۰ نفر از نیروهای نظامی ۵ کشور مختلف از جمله ۸۰۰ نفر از نیروهای ترکیه شرکت داشتند.<sup>۱۴</sup> در حملات از پایگاه هوایی اینجرلیک، بسیاری از اهداف مورد نظر در داخل خاک عراق بمباران شد. دولت ترکیه همچنین با استقرار نیروهای نظامی خود در مرزهای عراق ۸ گردان این کشور را مشغول کرد.

افزون بر آن، ترکیه با شروع بحران خلیج فارس خط لوله نفت عراق را از کرکوک به اسکندرون در کنار دریای مدیترانه مسدود کرد. این اقدام ترکیه دولت عراق را از نظر اقتصادی در وضع بسیار سختی قرار داد، به ویژه که خط لوله نفتی دیگر آن کشور نیز توسط عربستان سعودی بسته شده بود. این خط لوله، نفت عراق را از طریق عربستان سعودی به بندر ینبوع در کنار دریای سرخ منتقل می‌کرد. به این ترتیب صادرات نفت عراق عملاً قطع گردید. بعلاوه، ترکیه کلیه روابط تجاری و اقتصادی خود را با عراق قطع کرد.

به دنبال شکست صدام حسین در جنگ خلیج فارس و تضعیف نیروهای نظامی این کشور دخالت‌های مستقیم ترکیه در شمال عراق افزایش یافت. در ماه اوت ۱۹۹۱ نیروهای زمینی و هوایی ترکیه به شمال عراق تجاوز کردند و دولت ترکیه هدف خود را از بین بردن پایگاه‌های حزب کارگران کرد اعلام کرد. بر اساس بیانیه رسمی ترکیه، نیروهای نظامی آن کشور در جبهه‌ای به طول ۱۰ کیلومتر و به عمق ۱۳ کیلومتر در داخل خاک عراق نفوذ کردند و ۱۴ چریک از حزب کارگران کرد را کشتند، ۴ نفر را دستگیر کردند و مقادیری مهمات نیز به دست آوردند. اما در گزارشهایی که توسط مقامات رسمی سازمان ملل تأیید گردیده، گفته شده که در این عملیات ۴۰۰ غیرنظامی به قتل رسیده‌اند. پس از این عملیات شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه ارتش ترکیه قصد دارد این مناطق را تصرف نماید.<sup>۱۵</sup> این شایعات بی‌مورد هم نبود زیرا ارتش ترکیه اقدام به ایجاد چندین پست نگهبانی در این مناطق کرده بود.<sup>۱۶</sup>

در هفته اول مارس ۱۹۹۲ نیز هواپیماهای ترکیه ظاهراً حملاتی به پایگاه‌های حزب کارگران کرد در شمال عراق کردند. بر اساس بیانیه دولت ترکیه حملات محدود به اردوگاه‌های پ.ک.ک (حزب کارگران کرد) و فقط در محدوده ۱۰ کیلومتری داخل خاک عراق در نزدیکی مرزهای ترکیه، عراق و ایران بوده است. بر اساس این بیانیه، خسارات سنگینی به پ.ک.ک وارد آمده اما به غیر نظامیان تلفاتی وارد نشده است. ولی گزارشهای دیگری که بوسیله مقامات سازمان ملل تأیید شده حکایت از آن دارد که حملات مذکور در ۴۰ کیلومتری داخل خاک عراق و دورتر از پایگاه‌های پ.ک.ک صورت گرفته است. در این حملات ۱۲ غیرنظامی کشته و ۸ نفر زخمی شده‌اند و به راه‌ها نیز آسیب‌هایی وارد آمده است.<sup>۱۷</sup>

در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ هم بیش از ۳۵ هزار نفر از نیروهای نظامی ترکیه با پشتیبانی گسترده نیروهای هوایی و یگان‌های زرهی، شمال عراق را مورد تجاوز قرار دادند. آنکارا تجاوز نظامی به شمال عراق را «عملیات پولادین» نامید. ارتش ترکیه دوبار دیگر نیز در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۱۹۹۵ شمال عراق را مورد تجاوز قرار داد. درگیری نیروهای طالبانی و بارزانی سبب ورود نیروهای پ.ک.ک به شمال عراق شد و راه را برای تجاوز ترکیه هموار کرد.<sup>۱۸</sup> ترکیه طبق معمول هدف این تهاجم را سرکوبی کردهای وابسته به پ.ک.ک اعلام نمود. حمله مارس یکی از گسترده‌ترین تجاوزات ترکیه به شمال عراق

## برقراری تماس با رهبران کرد عراق

به دنبال تجاوزات ترکیه به مناطق شمالی عراق، سیاست آن کشور نسبت به کردهای عراق نیز تغییر یافت. سلیمان دمیرل در جریان دیدار خود از جنوب شرقی آناتولی در ۷-۸ دسامبر ۱۹۹۱ رسماً اعلام کرد که ترکیه به سرنوشت کردهای عراق بیش از آنچه به طور سنتی نشان داده شده، علاقمند است. او گفت: «کردهای عراق برادران ما هستند» و افزود در گذشته، ترکیه نقش یک ناظر را در حوادث شمال عراق ایفا می‌کرد. دمیرل گفت: «آنان خارج از مرزهای ما هستند اما این به مفهوم آن نیست که نباید با ما باشند.» این یک تغییر آشکار در سیاست ترکیه نسبت به شمال عراق بود. وی سیاست جدید ترکیه را اینگونه اعلام کرد «اگر بغداد معتقد به اعمال وحشیگری در شمال عراق است، خواهد فهمید که، ما مخالف آن هستیم».<sup>۲۰</sup>

دولت ترکیه در حالی اعمال دولت عراق در مورد کردها را وحشیگری می‌نامید که خود خشن‌ترین سیاست‌ها را نسبت به کردهای خویش اعمال می‌کرد. کردها حدود ۶ الی ۷ میلیون نفر از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند و در استان‌های کوهستانی عقب افتاده حاشیه‌ای شرق و جنوب شرقی سکونت دارند. در این مناطق از توسعه اقتصادی و عمرانی و آبادانی خبری نیست. ترکیه به طور عمد مناطق مذکور را در حالت عقب ماندگی نگاه داشته و اعتراضات و شورش‌های کردها را که از وضع اقتصادی خود ناراضی هستند همواره با قوه قهریه سرکوب کرده است. دولت آنکارا کردها را «ترک‌های کوهستان» می‌نامد و به اعمال سیاست خشن ترک سازی درباره آن‌ها همت می‌گمارد. از ۱۹۲۴ استفاده از زبان کردی ممنوع شده است و تدریس آن نیز در مدارس خلاف محسوب می‌شود و رسماً هیچ برنامه کردی از رادیو و تلویزیون پخش نمی‌شود. سازمان‌های ناسیونالیستی کرد غیر قانونی به حساب می‌آیند و به همین نحو نیز درباره کتاب‌ها و روزنامه‌های کردی عمل می‌شود. در میان کشورهایی که در خاورمیانه دارای اقلیت کرد زبان هستند، ترکیه کمترین تحمل را داشته و بر این باور است که در درازمدت وحدت ملی خودبخود از طریق اعمال سیاست همسان سازی به دست می‌آید. در نتیجه این شیوه، امروزه درصد بالایی از مردان جوان کرد دو زبانه هستند.<sup>۲۱</sup>

بعلاوه، نیروهای نظامی ترکیه از سال ۱۹۸۰ تاکنون بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از کردها را کشته‌اند.<sup>۲۲</sup> به این ترتیب روشن نیست دولتی که با مردم کرد خود اینگونه رفتار می‌کند چگونه می‌تواند کردهای عراق را برادران خود بنامد. همین مسأله نشان می‌دهد که حمایت از کردهای عراق بهانه است و دولت آنکارا اهداف دیگری را در این کار دنبال می‌کند.

به هر حال به دنبال تغییر سیاست ترکیه نسبت به کردها، روابط آنکارا و رهبران کردهای عراق به ویژه جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان گسترش یافت. در این راستا طالبانی در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۱ پیام گرمی برای دمیرل فرستاد و تشکیل دولت جدید او را تبریک گفت. در دوم سپتامبر ۱۹۹۰ نیز تورگوت اوزال رئیس‌جمهور ترکیه هیئتی از رهبران مخالف دولت عراق از جمله مسعود بارزانی رئیس حزب دموکرات کردستان عراق و جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان که رهبری مذاکرات را در واشینگتن برعهده داشت، به حضور پذیرفت. اما دمیرل و بلنداجویت از این اقدام اوزال انتقاد کردند و آن را خارج از چارچوب اختیارات وی نام بردند. اجویت گفت که اقدام اوزال نه فقط منجر به تجزیه عراق، بلکه منجر به تجزیه ترکیه خواهد شد.

پیش از آن، یعنی در ۲۴ ژوئیه، طالبانی و بارزانی در راه سفر به واشینگتن با دمیرل و اوزال مذاکره کرده بودند. در این مذاکرات طالبانی پیشنهاد کرده بود که کردهای عراق باید روابط رسمی با ترکیه برقرار کنند. وی گفته بود: «ما چه بخشی از عراق شویم یا بخشی از دولت دیگری در خاورمیانه، مردم کرد بهترین راه را انتخاب خواهند کرد... ما فکر می‌کنیم در این نقطه برگشت

در عین حال بر این اعتقاد است که عملیات ترکیه در شمال عراق باید هرچه زودتر و در صورت امکان همین فردا پایان یابد». پارلمان اروپا نیز با تصویب یک طرح پیشنهادی به ترکیه هشدار داد چنانچه حضور نیروهای آن کشور در شمال عراق طولانی شود، مناسبات ترکیه و اتحادیه اروپا خدشه‌دار خواهد شد و خواستار خروج فوری این نیروها از شمال عراق گردید. در طرح مذکور، تعلیق عضویت ترکیه در شورای اروپا و عدم قبول عضویت این کشور در وحدت گمرکی اتحادیه اروپا درخواست شده بود.

روسیه نیز واکنش شدیدی نسبت به دخالت ارتش ترکیه در شمال عراق نشان داد. گروهی از نمایندگان دوما روسیه تجاوز ترکیه به شمال عراق را به شدت محکوم کردند و نسبت به تکرار این حادثه در سایر کشورهای منطقه هشدار دادند. آنان از ترکیه به عنوان زاندارم ناتو در منطقه<sup>۲۳</sup> به ویژه جنوب روسیه نام بردند و عملیات نظامی ترکیه در شمال عراق را نقض قوانین بین‌المللی و نادیده گرفتن حقوق کردها اعلام کردند. به نظر نمایندگان دوما روسیه تجاوز نظامی ترکیه خطری جدی برای ثبات و امنیت منطقه است.<sup>۲۵</sup> وزارت امور خارجه روسیه نیز ضمن تأکید بر حمایت از تمامیت ارضی عراق، تهاجم ترکیه به شمال آن کشور را محکوم کرد و اعلام داشت: «دلایل دولت ترکیه مبنی بر اینکه ارتش آن کشور برای سرکوبی کردها وارد شمال عراق شده است، قانع کننده نیست».<sup>۲۶</sup>

تنها کشوری که از تجاوز نظامی ترکیه به شمال عراق حمایت کرد، آمریکا بود. جان پامفرت نویسنده و تحلیل‌گر روزنامه واشینگتن پست در این مورد نوشت: «سیاست نوین آمریکا که توسط استروب تالبوت معاون وزیر امور خارجه عنوان شده، حاکی از حمایت آمریکا از عملیات ترکیه به نام برده آهنین در شمال عراق است».<sup>۲۷</sup> حمایت آمریکا از ترکیه، موجب نزدیک تر شدن دو کشور به یکدیگر شده، اما در مقابل، اختلافات آمریکا را با کشورهای اروپایی تشدید کرده است. سیاست آمریکا در این مورد با واکنش شدید بین‌المللی روبرو گردید. در نتیجه، واشینگتن ناگزیر شد اعلام کند که تنها با اجرای عملیات محدود و بازگشت سریع ارتش ترکیه از شمال عراق موافقت کرده است.

فشارهای شدید بین‌المللی به ویژه از جانب کشورهای غربی موجب شد دولت ترکیه اعلام کند که ارتش آن کشور به زودی خاک عراق را ترک خواهد کرد. وزیر امور خارجه ترکیه در مذاکره با همتای آلمانی خود در بن بدون تعیین هرگونه ضرب‌الاجلی برای خروج نیروهای ترک از شمال عراق، اعلام کرد «ما برای انجام عملیات نظامی خود در منطقه مذکور مدت زمان مشخص و محدودی در نظر گرفته ایم».

به دنبال آن در اواسط مه ۱۹۹۵ دولت ترکیه اعلام کرد که ۲۵ هزار نفر از نیروهای نظامی آن کشور شمال عراق را ترک گفته و در داخل خاک ترکیه در مناطق حکاری و شیرناک در نزدیکی مرز عراق مستقر شده‌اند. اما منابع مستقل خروج نیروهای نظامی ترکیه را تأیید نکردند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که اعلام خروج بخشی از نیروهای مذکور یک اقدام تاکتیکی در پاسخ به فشارهای بین‌المللی برای خروج نیروهای نظامی آن کشور از شمال عراق بوده است. یک مشاور عالی‌رتبه دولت ترکیه گفت که عملیات نظامی در این کشور در شمال عراق پایان نخواهد یافت. وی افزود «ما در عراق هستیم و چاره‌ای غیر از این نداریم» سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه نیز گفت: «عملیات در چند روز یا هفته تمام نمی‌شود و ممکن است بیش از یک سال طول بکشد. این تازه آغاز کار است و نتایج آن در پایان مشخص می‌شود».<sup>۲۸</sup> در اواخر ماه مه ۱۹۹۵ سر فرمانده نیروهای نظامی ترکیه در شمال عراق اظهار داشت «ارتش ترکیه آماده است در صورت لزوم مجدداً وارد شمال عراق شود و از هم‌اکنون دستورالعمل‌های کافی را دریافت کرده است» در حالی که چند روز قبل از اظهارات وی، اعلام شده بود ارتش ترکیه باردیگر وارد شمال عراق شده است. سرانجام تانسو چیلپر نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد که ارتش ترکیه قبل از دست‌یابی به اهداف خود، شمال عراق را ترک نخواهد کرد.<sup>۲۹</sup> وی اهداف این کشور را مشخص نساخت.

خواسته است مانع فعالیت چریک‌های حزب کارگران گردد. از پایگاه‌هایشان در عراق شوند. به عبارت دیگر، ترکیه به دنبال آن است که سرکوبی کردهای آن کشور به دست کردهای عراقی صورت گیرد. در این راستا وزارت خارجه ترکیه به جلال طالبانی هشدار داد که چاره‌ای جز اجرای سیاست‌های ترکیه در تأمین امنیت مناطق مرزی شمال عراق ندارد. طالبانی قبلاً گفته بود که برای بازداشتن کردهای مخالف ترکیه از دست زدن به حملات برون مرزی تلاش خواهد کرد، اما حاضر به جنگیدن با آنان نخواهد بود. وی گفته بود: «ما حزب کارگران کرد ترکیه را تروریست نمی‌دانیم، بلکه آن را یک سازمان سیاسی به حساب می‌آوریم. ما نمی‌توانیم از راه جنگ آنان را از استفاده از منطقه تحت کنترلمان برای حمله به داخل خاک ترکیه بازداریم. بلکه تنها از مجرای سیاسی می‌توانیم آنان را متقاعد کنیم.»<sup>۲۶</sup>

به نظر می‌رسد هدف دولت ترکیه تنها محدود به وادار کردن رهبران کرد عراق به سرکوبی کردهای آن کشور نیست، بلکه بدین وسیله می‌خواهد آنان را مطیع اوامر خود سازد. به عبارت دیگر، ترکیه در نظر دارد از این طریق و در طول زمان کردستان عراق را به صورت تحت‌الحمايه خود درآورد و پس از گذشت یک دوره انتقالی، کردستان عراق را ضمیمه خاک خود کند. به نظر می‌رسد طرح ترکیه در این مورد شبیه طرح‌های عراق برای تجزیه خوزستان ایران و اشغال و ضمیمه‌سازی کویت به خاک خود باشد.<sup>۲۷</sup> به همین جهت میان اهداف ترکیه و رهبران کرد عراق اختلاف عمیقی وجود دارد.

به طوری که گفته شد طالبانی در مذاکره با دمیرل نخست‌وزیر ترکیه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲ صحبت از برقراری روابط رسمی بین ترکیه و کردهای عراق کرده بود. اظهارات وی هرچند گنگ و مبهم بود، اما این احتمال خیلی جدید و مهم را مطرح کرد که منظور وی این بوده که کردستان ترکیه به کردستان عراق ملحق شود و یک کشور جدید کرد تأسیس شود. طالبانی قبلاً هم این ایده را با دمیرل در میان گذاشته بود، اما وی در مقابل فقط خندیده بود.<sup>۲۸</sup>

ارزوی دیرینه کردها همواره ایجاد یک وطن مستقل بوده است. بعضی از دولت‌های بزرگ نیز در برخی مقاطع تاریخی از اندیشه ایجاد یک دولت مستقل کرد حمایت کرده‌اند. سابقه تاریخی این فکر به اوائل دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد. در آن زمان دولت انگلستان در صدد ایجاد یک کردستان مستقل برآمد. در اجرای این سیاست، دولت مذکور ماده‌ای در قرارداد سور منعقد بین متفقین و دولت عثمانی در سال ۱۹۲۰ گنجانید. اما در سال‌های بعد به دلایل مختلف از این فکر منصرف شد.<sup>۲۹</sup>

با شروع جنگ خلیج فارس در سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ مجدداً فکر ایجاد یک کردستان مستقل مطرح گردید. این بار غیر از انگلستان، دولت آمریکا نیز از این امر حمایت می‌کرد و فرستاده ویژه انگلستان به کردستان عراق پرده از این سیاست برداشت. وی صحبت از آرزو و تمایل کردها برای ایجاد یک کردستان واحد (شامل کردستان ایران، عراق و ترکیه) نمود. رادیو میهنی کردستان عراق هم به نقل از فرستاده ویژه دولت انگلستان اعلام کرد که: «انگلیس منتظر برگزاری یک انتخابات آزاد در کردستان است و پس از مشخص شدن نتیجه مصمم است سیاست‌های تازه‌ای را در مورد کردها اتخاذ کند.»<sup>۳۰</sup> در همین راستا رئیس‌جمهور آمریکا، جلال طالبانی و مسعود بارزانی رهبران کردهای عراق را در ژوئیه ۱۹۹۲ در کاخ سفید به حضور پذیرفت.

سه سال بعد همزمان با تجاوز نظامی ترکیه به شمال عراق در سال ۱۹۹۵ بار دیگر اعلام شد که دولت‌های غربی در صدد ایجاد یک دولت کرد در شمال عراق می‌باشند. خلف اوغلو وزیر امور خارجه سابق ترکیه در این مورد اظهار داشت: «تحولات منطقه نشان می‌دهد که تأسیس یک دولت کرد در شمال عراق در برنامه آمریکا قرار دارد.»<sup>۳۱</sup>

اما این بار نیز همانند گذشته دولت ترکیه شدیداً با ایجاد یک کردستان مستقل مخالفت نمود. سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه به صراحت اعتراف کرد که غرب هدف تجزیه ترکیه و ایجاد حکومت مستقل کرد را دنبال می‌کند و

تاریخی، فرصت خیلی خوبی برای احیای روابط تاریخی بین مردم ترکیه و مردم کرد وجود دارد.»<sup>۳۲</sup>

همزمان با تجاوزات ارتش ترکیه به شمال عراق در سال ۱۹۹۵، تماس‌های ترکیه و رهبران کرد عراق نیز افزایش یافت. در اوائل آوریل یک هیأت بلندپایه سیاسی و نظامی ترکیه برای گفتگو با رهبران گروه‌های کرد در شمال عراق به این منطقه اعزام شد. اعضای این هیأت را نمایندگان وزارت خارجه، فرمانده ستاد مشترک و اعضای دفتر نخست‌وزیری ترکیه تشکیل می‌دادند. این هیأت ابتدا در شهر صلاح‌الدین با مسعود بارزانی دیدار و سپس در سلیمانیه با جلال طالبانی ملاقات و مذاکره کرد. گفته شد یکی از اهداف این هیأت که پس از تجاوز ترکیه به شمال عراق صورت گرفت جمع‌آوری آراء و نظرخواهی از گروه‌های مختلف مردم منطقه بوده است.

همچنین در اواخر آوریل ۱۹۹۵ جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه ترکیه، خواستار ملاقات با مقامات این کشور شد. به دنبال آن هیأتی از وزارت خارجه ترکیه به شمال عراق سفر و با جلال طالبانی در اربیل دیدار کرد. در همین ماه هیأتی نیز از سوی حزب دموکراتیک کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی وارد آنکارا شد و با مسئولان وزارت امور خارجه ترکیه دیدار و مذاکره نمود. هدف این دیدارها و تماس‌ها افزایش نفوذ ترکیه در شمال عراق بوده است.

## استفاده از لیر ترکیه در شمال عراق

یکی از ابزارهای الحاق تدریجی منطقه‌ای به یک کشور، استفاده از پول واحد می‌باشد و ترکیه از این ابزار در شمال عراق استفاده کرده است. در پی بروز بحران پولی در سال ۱۹۹۳ در شمال عراق، دولت ترکیه بلافاصله موافقت خود را با به جریان افتادن لیر ترکیه در شمال عراق اعلام کرد. بحران مذکور در نتیجه اعلام بطلان اسکناس‌های ۲۵ دیناری عراقی قبل از جنگ خلیج فارس از سوی دولت عراق به وجود آمد. این اسکناس‌ها به گونه‌ای گسترده در مناطق شمالی عراق مورد استفاده قرار گرفته بود.

ولکان ورال سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه در گفتگویی با خبرنگاران ترک با اشاره به این که مؤسسات مربوطه و مقامات دولتی آنکارا موضوع بحران پولی شمال عراق را از همه جوانب مورد بررسی قرار داده‌اند گفت: «ترکیه نمی‌تواند از رواج پول خود در شمال عراق جلوگیری کند.» وی افزود ما قصد دخالت در امور داخلی عراق را نداریم، ولی می‌خواهیم این موضوع با حسن نیت حل شود. به همین جهت با دولت بغداد تماس گرفته ایم.

سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه گفت چنانچه در چارچوب مقررات اقتصادی منطقه تصمیمی در خصوص استفاده از لیر ترک در این منطقه اتخاذ شود و این امر بتواند به حل مشکلات کمک کند ترکیه آن را یک امر طبیعی قلمداد خواهد کرد. اظهارات سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه چراغ سبزی به تقاضاهای کردهای عراقی برای استفاده از لیر ترک در شمال عراق بود.<sup>۳۳</sup>

در همین مورد روزنامه «دیلی نیوز» ترکیه، که به زبان انگلیسی در آنکارا منتشر می‌شود، نوشت: دولت ترکیه موافق به جریان افتادن لیر ترک در شمال عراق است، زیرا این امر موجب افزایش نفوذ این کشور می‌شود.<sup>۳۴</sup>

## ترکیه و سناریوهای مربوط به کردستان

جزئیات موضوعات مورد مذاکره بین ترکیه و رهبران کرد عراق منتشر نشده، اما همکاری کردهای عراق با ترکیه در سرکوبی کردهای مخالف آن کشور از جمله این موضوعات بوده است. دولت ترکیه از رهبران کرد عراقی

افزود که ترکیه حتی يك وجب از خاك خود را برای تشکیل حکومت كرد نخواهد داد.<sup>۳۲</sup> برای جلب موافقت ترکیه ظاهراً غرب دو سناریو را در این زمینه مطرح کرده است.

نخست، يك دولت مستقل كُرد در شمال عراق تأسیس خواهد شد و چون قادر نخواهد بود روی پای خود بایستد، دولت ترکیه وظیفه حمایت از آن را برعهده خواهد گرفت. به عبارت دیگر كردستان عراق به صورت تحت‌الحمایه ترکیه درخواهد آمد. وزیر امور خارجه سابق ترکیه این مسأله را مورد تأیید قرار داده است.<sup>۳۳</sup>

سناریوی دوم عبارت از این است که يك كردستان مستقل مشتمل بر كردستان عراقی و ترکیه تأسیس خواهد شد. براساس این سناریو در مقابل تجزیه مناطق كردنشین ترکیه از آن کشور، سهمی از مناطق نفت خیز شمال عراق به ترکیه اختصاص خواهد یافت تا بتواند تا حدودی از بار منفی این ضربه به دولت ترکیه بکاهد. برخی، اظهارات دمیرل مبنی بر امکان حضور ترکیه در موصل را ناشی از این سناریوی می‌دانند.<sup>۳۴</sup> همچنین عده‌ای تحركات اخیر كردهای مخالف ترکیه را در این راستا ارزیابی می‌کنند. كردهای مخالف دولت ترکیه اخیراً چهارمین دفتر خود را در كهنه‌ك گشودند. آنان در حال حاضر در شهرهای آتن، وین و رم دفتر دارند. از تحولات دیگر برپایی پارلمان در تبعید كردهای ترکیه می‌باشد که ریاست آن را یاسر کایا برعهده دارد. یکی دیگر از تحولات جدید، ایجاد يك دولت در تبعید از سوی كردهای مخالف ترکیه در بروكسل است. این دولت به ریاست زبیر ایدار آخرین نماینده مردم سیرت در پارلمان ترکیه تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کرده است.

عبدالله اوجلان رهبر حزب کارگران كُرد ترکیه اظهار داشته است که «پارلمان در تبعید كردها، که از سوی حزب کارگران كردستان در لاهه تشکیل شده، نخستین گام به سوی ایجاد کانون‌های فدرال برای ۲۰ میلیون كُرد مستقر در عراق، ترکیه، سوریه و اردن است.»<sup>۳۵</sup> در همین راستا، خلف اوغلو وزیر خارجه سابق ترکیه با اشاره به اینکه آمریکا سال‌ها پیش یاسر عرفات را به عنوان يك تروریست می‌شناخت ولی در حال حاضر با وی در کاخ سفید مذاکره می‌کند، گفت بعید نیست که عبدالله اوجلان رهبر چریك‌های مخالف دولت ترکیه نیز روزی مانند وی به عنوان طرف گفتگو بر سر میز مذاکره بنشیند.<sup>۳۶</sup>

دولت ترکیه تحولات مذکور را با نگرانی می‌نگرد و در این مورد به کشورهای اروپایی اعتراض کرده است. به نظر می‌رسد که سناریوی مذکور باب طبع ترکیه نیست. ترکیه هر چند بموجب این سناریو، موصل را به دست می‌آورد، اما مایل به از دست دادن مناطق كردنشین کشور خود نیست.

بنابراین سناریوی سومی هم مطرح می‌شود که احتمالاً ترکیه از آن حمایت می‌کند و آن حفظ تمامیت ارضی ترکیه و الحاق مناطق شمالی عراق به آن کشور است. ظاهراً آمریکا نیز از این سناریو پشتیبانی می‌کند. این سناریو در دیدار رئیس سیا از ترکیه در ژوئیه ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. براساس گزارش‌هایی از ترکیه، آمریکا طبق طرح سیا بر اشغال کرکوک و موصل توسط ارتش ترکیه تأکید کرده است.<sup>۳۷</sup> طرح سیا در این مورد قبلاً نیز به تورگوت اوزال رئیس‌جمهور سابق ترکیه، پیشنهاد شده بود. ادعای دمیرل مبنی بر تغییر مرزها و تعلق موصل به خاك آن کشور در راستای همین سناریو قابل ارزیابی است.

## ادعای دمیرل در مورد تعلق موصل به ترکیه

گفته‌های سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه موضوع جدیدی نبود، بلکه آنچه در این اظهارات تازگی داشت، ادعای آشکار وی نسبت به تعلق موصل به ترکیه بود. قبل از دمیرل، تورگوت اوزال رئیس‌جمهور سابق ترکیه نیز به

طور ضمنی و سر بسته به این مسأله اشاره کرده بود. وی پس از بحران خلیج فارس طی سخنانی اعلام کرد که بعد از این همه تحولات، خاورمیانه دیگر نمی‌تواند خاورمیانه سابق باشد و نقشه جغرافیایی و موازنه سیاسی منطقه تغییر خواهد کرد. وی افزود ترکیه در توسعه مرزی خاورمیانه در روند ساختار نظم نوین جهانی، نقش عمده‌ای ایفاء خواهد کرد.<sup>۳۸</sup> منظور وی از این همه تحولات، فروپاشی شوروی و جنگ خلیج فارس بود.

اشاره به تغییر نقشه جغرافیایی منطقه توسط ترکیه، به دنبال تهیه طرح محرمانه‌ای بوسیله ترکیه و آمریکا صورت گرفت که بر پایه آن قرار بود در صورت سقوط صدام حسین، ترکیه شمال عراق را اشغال کند. حسام‌الدین جین دوروک رئیس پارلمان ملی ترکیه این طرح را فاش و اعلام کرد که در جریان جنگ خلیج فارس، آمریکا خواستار اشغال شمال عراق تا موصل از سوی ترکیه شده بود.<sup>۳۹</sup> در جهت اجرای این طرح ارتش ترکیه در جریان تجاوزات نظامی خود به شمال عراق در اوت ۱۹۹۱، چندین پست نگهبانی در این مناطق ایجاد نمود.<sup>۴۰</sup>

اما تغییر نقشه جغرافیایی منطقه توسط ترکیه و انضمام شمال عراق به آن کشور موضوعی نبود که باب طبع بعضی از کشورها به ویژه دیگر همسایگان ترکیه باشد. به همین جهت به مرور زمان، لحن زمامداران آنکارا عوض شد و تأکید کردند که اقدامات ترکیه به هیچ وجه بر ضد مردم عراق نیست و روابط نزدیک و دوستانه ترکیه با مردم كرد عراق، در آینده نیز ادامه خواهد یافت. از همین رو در جریان تجاوز نظامی دوباره به شمال عراق در سال ۱۹۹۵، دولت ترکیه هدف خود را سرکوبی كردهای مخالف آن کشور اعلام کرد.

اما در این میان اظهارات سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه پرده از مقاصد واقعی ترکیه در لشکرکشی به شمال عراق برداشت و نشان داد که رهبران ترکیه هرگز فکر اشغال مناطق شمالی عراق را رها نکرده‌اند، بلکه بر پی فرصت‌های مناسبی هستند تا آن را به مورد اجرا گذارند. سلیمان دمیرل در اوائل مه ۱۹۹۵ در سخنان خود خطاب به مدیران و سردبیران روزنامه‌های ترکیه گفت که برای جلوگیری از نفوذ شورشیان كرد ترکیه از شمال عراق، يك خط مرزی جدید بین ترکیه - عراق تعیین می‌شود. دمیرل افزود: این مرز که از مناطق کوهستانی می‌گذرد طوری اصلاح می‌شود که خط جدید در پای کوه‌ها در خاك عراق باشد تا از نفوذ شورشیان كرد به ترکیه جلوگیری کند. وی همچنین ادعا نمود که استان نفت خیز موصل هنوز متعلق به ترکیه است چرا که در پیمان ۱۹۲۳ لوزان که کشور ترکیه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به رسمیت شناخته شده، بندی وجود ندارد که حاکی از پیوستگی آن به خاك عراق باشد.<sup>۴۱</sup>

تأمین امنیت مرزهای ترکیه و عراق بستگی به کنترل ارتفاعات سینکار، مک‌هول و سحرین دارد که همه آنها در حال حاضر در اختیار عراق است. موصل نیز منطقه‌ای کوهستانی است و از نظر استراتژیک اهمیت بسیار دارد. اما آنچه بیشتر توجه ترکیه را به این منطقه جلب کرده، اهمیت آن از نظر ذخایر نفتی است. موصل و کرکوک از جمله بزرگترین میادین نفتی خاورمیانه هستند. ترکیه مقدار کمی نفت تولید می‌کند و ذخایر نفتی آن بسیار اندک است. در سال‌های ۹۲-۱۹۹۰، تولید داخلی در حدود ۲۰ درصد مصرف کشور را تأمین کرده ولی از سال ۱۹۹۳ این رقم به ۱۱ درصد کاهش یافته است.<sup>۴۲</sup> در سال ۱۹۹۰ ترکیه بیش از ۳/۵ میلیارد دلار نفت وارد کرده که حدود ۱۷/۲ درصد کل واردات آن کشور را تشکیل می‌دهد. در سال مذکور ۵۴ درصد از نیازهای انرژی ترکیه از خارج تأمین شده است و این رقم به علت افزایش جمعیت و توسعه صنایع رو به افزایش است. مذهب‌هاست که انرژی اولویت اصلی دولت ترکیه را در بخش سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهد.<sup>۴۳</sup>

بی‌مناسبت نیست که ناسیونالیست‌های ترکیه می‌گویند: «تاکی فرزندان ما در کشورهای اروپایی به رفتگری و کارگری مشغول باشند؟ اگر موصل در اختیار ترکیه باشد، مشکل نیاز نفتی ما حل خواهد شد و دیگر لازم نخواهد

ترکیه در داخل خاک عراق صورت گرفته، رد کرده و دولت مذکور را مسئول کامل عواقب این حملات دانسته است.

دولت عراق همچنین تماس‌های ترکیه با رهبران کُرد عراق را محکوم کرده و آن را مداخله در امور داخلی عراق دانسته است. بغداد خواستار قطع تماس‌های مذکور شده و به دولت ترکیه هشدار داده است که اگر به گفتگوهای خود با رهبران کُرد عراقی دربارهٔ اوضاع شمال عراق ادامه دهد، روابط خود را با آن دولت قطع خواهد کرد.

بعلاوه، دولت عراق در شدیدترین واکنش خود نسبت به اظهارات سلیمان دمیرل هشدار داد که برای جلوگیری از تغییر مسیر که اخیراً از سوی ترکیه پیشنهاد شده آماده جنگ است. روزنامهٔ «القادسیه» در این مورد نوشت: «بیانیهٔ سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه، مبنی بر اینکه ترکیه خواهان تجدیدنظر در مرز خود با عراق برای سد کردن عبور تروریست‌هاست، پوششی برای اهداف توسعه‌طلبانه است.» این روزنامه اضافه کرد: «ارتش عراق با تمام امکانات موجود برای جنگیدن با هر نوع اهداف توسعه‌طلبانه و تجاوز به سرزمین‌های ملی‌اش آماده است.» روزنامه القادسیه دولت ترکیه را متهم کرد که در طرح تغییر مرز به خواست آمریکا و اسرائیل کردن نهاده است.

وزارت امور خارجهٔ عراق نیز با احضار کاردار سفارت ترکیه در آن کشور، خواستار توضیحات رسمی دولت آنکارا در این زمینه شد. درهمین حال شورای فرماندهی انقلاب عراق که عالی‌ترین نهاد رهبران در عراق است، اعلام کرد عراق با تمام وسایل مشروع با هرگونه اقدام برای تغییر مرز با ترکیه مقابله خواهد کرد. شورای مذکور حتی بررسی مسألهٔ مذکور را رد نمود و در مورد هرگونه عمل یکجانبه در زمینهٔ تغییر مرز به ترکیه هشدار داد.

در این میان مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق نیز که متعلق به شیعیان عراق و یکی از گروه‌های مخالف دولت آن کشور است، با انتشار بیانیه‌ای ادعای ارضی سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه را نسبت به استان موصل عراق محکوم کرد و خواستار پوزش خواهی آنکارا شد. در بیانیهٔ مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق آمده است: «اظهارات دمیرل مغایر با توافق‌نامه‌های بین‌المللی است که در آن‌ها مرزهای تمام کشورها مشخص شده است. ما هرگونه تهدید بر ضد تمامیت ارضی و حاکمیت عراق را محکوم می‌کنیم.»

همچنین ائتلاف احزاب و گروه‌های مخالف دولت عراق، درخواست رئیس‌جمهور ترکیه مبنی بر تغییر خطوط مرزی ترکیه و عراق را به شدت محکوم کرد. شورای ملی عراق که متشکل از احزاب و گروه‌های مخالف دولت عراق است در این مورد بیانیه‌ای انتشار داد و بر علاقمندی شورا به تمامیت ارضی عراق تأکید و توسعه‌طلبی‌های اخیر رئیس‌جمهور ترکیه را محکوم و به شدت با آن مخالفت کرد.

## واکنش کشورهای منطقه نسبت به ادعاهای ترکیه

به طوری که قبلاً گفته شد اکثر دولت‌های جهان تجاوز نظامی ترکیه به شمال عراق را محکوم کردند و خواستار عقب‌نشینی نیروهای این کشور از خاک عراق شدند. آن‌ها دلایل دولت ترکیه برای تجاوز به اراضی عراق را مردود دانستند و اعلام داشتند که ترکیه در لشکرکشی به شمال عراق، اهدافی به مراتب بیش از سرکوبی کُردها را دنبال می‌کند. عملیات نظامی ترکیه در

بود که کل درآمدهای حاصل از صادراتمان را برای خرید نفت هزینه کنیم.»<sup>۴۴</sup> در واقع هدف ترکیه صرفاً اشغال موصل به خاطر ذخایر نفتی آن است. در غیر این صورت با توجه به مشکلات اقتصادی ترکیه، این سننوال مطرح می‌شود که چرا باید یک میلیارد دلار هزینه برای تهاجم گسترده نظامی به شمال عراق با کمترین دست‌آورد انجام شود.

به هرحال پس از اظهارات دمیرل مبنی بر تغییر مرزهای عراق و ترکیه، برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که سربازان ترکیه برای ایجاد خطوط مرزی جدید، وارد خاک عراق شده‌اند.<sup>۴۵</sup> همچنین گفته شد که دولت ترکیه طرحی را برای کنترل مرزهای جدید تهیه کرده است. بموجب این طرح یک شبکهٔ الکترونیک در سراسر مرز نصب خواهد شد که بیش از ۱۰۰ میلیون دلار هزینه دربر خواهد داشت. در اجرای برنامهٔ مذکور در سرتاسر مرز مشترک رادارهای الکترونیک، دوربین‌های دید شب و دوربین‌هایی که نسبت به حرارت واکنش نشان می‌دهد، نصب خواهد شد. سیستم امنیت فیزیکی این پروژه توسط یک مرکز کنترل اداره خواهد شد.<sup>۴۶</sup> با این حال یک سخنگوی ارتش ترکیه با توجه به واکنش شدید عراق و سایر کشورها نسبت به تغییر مرزها و مطامع توسعه‌طلبانهٔ ترکیه، ادعاهای مذکور را رد کرد.

## واکنش عراق نسبت به ادعاهای ارضی ترکیه

دولت عراق بارها تجاوز نظامی ترکیه را محکوم کرده و خواستار خروج نیروهای ارتش ترکیه از شمال این کشور شده است. وزارت امور خارجه عراق با اشاره به بیانیهٔ تانسوچیلر نخست‌وزیر ترکیه که در آن گفته شده بود فقدان هرگونه قدرت شناخته شده‌ای در شمال عراق، باعث اعزام نیروهای ترکیه به این منطقه برای منهدم کردن عقبهٔ جدایی‌خواهان کُرد شده است، گفت عراق دلایل و توجیحات آنکارا برای ادامهٔ تهاجم نظامی خود به شمال عراق را رد می‌کند. وزارت امور خارجهٔ عراق در این مورد اعلام داشت: «عراق بار دیگر و به نحوی قاطع همهٔ بهانه‌ها و توجیحات ارائه شده از سوی ترکیه برای حفظ نیروهای متجاوز خود در خاک عراق را به شدت رد می‌کند و خواستار عقب‌نشینی فوری این نیروهاست.» دولت عراق حملهٔ نظامی ترکیه به شمال آن کشور را سوء استفاده از وضع مشکلی که آمریکا و انگلیس مسبب آن هستند، دانست.

دولت عراق همچنین تجدید آرایش نظامی بخشی از نیروهای ترکیه را تاکنیکی خواند و اظهارات ترکیه مبنی بر احترام به حاکمیت عراق را تا زمانی که با خروج کامل از خاک این کشور همراه نباشد، بی‌معنا خواند. دولت عراق حق دفاع مشروع را که آنکارا در توجیه عملیات نظامی در شمال عراق بر ضد شورشیان کُرد و حزب کارگران کردستان عنوان نموده رد کرد و یادآور شد که مشارکت آنکارا در توطئهٔ آمریکایی و انگلیسی به بروز خلأ سیاسی در شمال عراق انجامیده است.

وزارت امور خارجهٔ عراق همچنین در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، تجاوزات نظامی ترکیه به مناطق کردنشین عراق را نقض صریح حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و منشور سازمان ملل دانسته و از جامعهٔ جهانی خواسته است به تعهدات خود در قبال این منشور عمل کند. در این نامه که به عنوان سند شورای امنیت انتشار یافته، آمده است: «جنگنده‌ها و هلی‌کوپترهای نظامی ارتش ترکیه از تاریخ ۱۲ تا ۲۲ فروردین ماه ۱۳۷۴ در ۲۲ مورد عملیات اقدام به تجاوز به حریم هوایی عراق کرده‌اند. یازده مورد از این پروازها توسط جنگنده‌های ارتش ترکیه بر فراز مناطق «زاخو» و «عمادیه» و یازده مورد دیگر توسط هلی‌کوپترهای رزمی ترکیه در مناطق مذکور و نیز «شقلاه» صورت گرفته است. وزارت امور خارجهٔ عراق در این نامه استدلال دولت ترکیه را که این عملیات به منظور تعقیب و سرکوبی عوامل مسلح کُرد

داخل خاک عراق بیش از همه، سوءظن کشورهای همسایه عراق را برانگیخت.

از همان آغاز تجاوز ترکیه به شمال عراق در سال ۹۳-۱۹۹۱ و پیش از اظهارات دمیرل مبنی بر تعلق موصل به خاک ترکیه، در برخی از روزنامه‌های کشورهای منطقه گزارش‌هایی انتشار یافت که در آن گفته شده بود ترکیه طرح‌های ارضی نسبت به موصل دارد. توسعه طلبی ترکیه در شمال عراق و موضوع تغییر نقشه جغرافیایی منطقه چیزی نبود که باب طبع کشورهای مانند ایران و سوریه باشد. لذا دولت ترکیه به منظور کاهش این نگرانی‌ها، خواستار ملاقات وزرای امور خارجه ترکیه، سوریه، ایران و عربستان شد. نخستین نشست وزرای مذکور در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۲ در آنکارا برگزار شد. وزیر امور خارجه عربستان به علت فقدان سیاست مشخصی از طرف ریاض در قبال این مسأله، در اجلاس مذکور شرکت نکرد. اما وزرای امور خارجه سه کشور یاد شده در این نشست تعهد خود را نسبت به حفظ تمامیت ارضی عراق مورد تأکید قرار دادند. اجلاس بعدی وزرای امور خارجه سه کشور در ماه فوریه همان سال در دمشق برگزار و بار دیگر پشتیبانی از یکپارچگی سرزمین تمامیت ارضی عراق اعلام شد.<sup>۴۷</sup>

مخالفت کشورهای همسایه با تغییر نقشه جغرافیایی منطقه موجب شد که دولت ترکیه در سال‌های ۹۴-۱۹۹۰ طرح‌های توسعه طلبانه خود را در این مورد مسکوت گذارد. بعلاوه باید یادآوری نمود که حفظ تمامیت ارضی عراق مورد تأیید مشترک کشورهای ائتلاف غربی مخالف عراق در جریان جنگ خلیج فارس نیز بود.

با توجه به توافق‌های قبلی برای حفظ تمامیت ارضی عراق، اظهارات سلیمان دمیرل با مخالفت شدید برخی کشورها به ویژه کشورهای همسایه روبرو شد. وزیر امور خارجه ایران طرح هرگونه ادعای ارضی علیه عراق را مخل امنیت منطقه ذکر کرد و گفت: «طرح این مسأله از سوی هر کشوری که باشد برای جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست.» وی افزود: «در دو سال اخیر اجلاس‌های سه جانبه بین ایران، ترکیه و سوریه برگزار شد که جزء ترجیح بندهای بیانیه‌های این جلسات حمایت از تمامیت ارضی عراق بود.» وزیر امور خارجه ایران گفت: سیاست جمهوری اسلامی بر اساس حفظ تمامیت ارضی عراق استوار است و تهران هرگونه اقدامی را جهت خدشه‌دار ساختن تمامیت ارضی این کشور محکوم می‌کند. ما در این باره از سفیر ترکیه در تهران و مسئولان بلندپایه آنکارا توضیح خواسته‌ایم.<sup>۴۸</sup>

دولت مصر نیز اعلام کرد که هرگونه تجاوز به تمامیت ارضی کشورهای عربی از جمله عراق غیر قابل قبول است. عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر در این ارتباط به ترکیه هشدار داد. در همین راستا دولت یمن نیز نسبت به هرگونه تغییر در خطوط مرزی عراق و ترکیه به کشور اخیر اخطار کرد. همچنین اتحادیه عرب با صدور بیانیه‌ای ضمن نکوهش از اعلامیه دمیرل، در مورد هرگونه تلاش برای از بین بردن تمامیت ارضی عراق هشدار داد و گفت چنین تلاشی برخلاف قوانین بین‌المللی خواهد بود. این اتحادیه اعلام کرد که ادعاهای ارضی فقط به تشدید تنش در منطقه می‌انجامد و این اعلامیه‌ها به روابط ترکیه و کشورهای عرب که دانمنا در حال گسترش بوده، کمکی نمی‌کند.

22. The Christian Science Monitor, April 7, 1995.

23. EIU, Turkey Country Report, No 1, 1992, p. 114.

۲۴. تلکس اقتصادی خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۳/۳/۹.

۲۵. ایرار، ۱۳۷۲/۳/۲.

۲۶. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۱۴.

۲۷. برای اطلاع در مورد طرح‌های مربوط به تجزیه خوزستان بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، «طرح‌های تجزیه خوزستان» مجله سیاست خارجی، نیز کتاب نگارنده تحت عنوان، کانون‌های بحران در خلیج فارس (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱).

در مورد طرح عراق برای اشغال و ضمیمه‌سازی کویت به خاک خود بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹).

28. EIU, Turkey Country Report, No. 4, 1992, p. 14.

۲۹. اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم، ۱۳۷۰) ص ۱۲۱.

۳۰. جعفری ولدانی، نظم نوین جهانی و موقعیت ایران، ص ۲۴۰.

۳۱. سلام، ۱۳۷۴/۱/۲۹.

۳۲. سلام، ۱۳۷۴/۳/۹.

۳۳. بنگرید به سلام، ۱۳۷۴/۱/۲۹.

۳۴. بنگرید به جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۳/۱۱.

۳۵. اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۲۶.

۳۶. سلام، ۱۳۷۴/۱/۲۹.

۳۷. اطلاعات، ۱۳۷۴/۵/۷.

۳۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۱۲۴.

۳۹. سلام، ۱۳۷۴/۲/۱۶.

40. EIU, Turkey Country Report, No. 4, 1991, p. 11.

۴۱. بنگرید به رسالت، ۱۳۷۴/۲/۱۴ و نیز سلام، ۱۳۷۴/۲/۱۶.

42. EIU, Turkey Country Profile 1994- 95, p. 28.

43. EIU, Turkey Country Profile 1991- 92, p. 24.

۴۴. بنگرید به جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۳/۱۱.

۴۵. بنگرید به اطلاعات، ۱۳۷۴/۳/۴.

46. EIU, Turkey Country Profile No. 1, 1993 p. 11-12.

47. Hugh Pope, «Regional states agree to differ on Iraq Future», Independent, 16 November 1992.

۴۸. بنگرید به ایران، ۱۳۷۴/۲/۱۸ و اطلاعات ۱۳۷۴/۲/۱۸.

## یادداشت‌ها و زیرنویس‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

دکتر اصغر جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴).

۲. دکتر اصغر جعفری ولدانی، نظم نوین جهانی و موقعیت ایران، (تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳).

3. EIU, Turkey Country Report, No. 4, 1991, p. 10.

4. Ibid, p. 11.

5. Ibid.

6. EIU, Turkey Country Report, No. 2, 1992, p.16.

7. David Rohde. «The Kurds Get in Their Own way Under the wing of US Protection», The Christian Science Monitor, April 7, 1995.

۸. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۱۰.

۹. رسالت، ۱۳۷۴/۲/۲۳.

۱۰. اطلاعات، ۱۳۷۴/۲/۱۳.

۱۱. اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۲۶.

۱۲. رسالت، ۱۳۷۴/۱/۱۵.

۱۳. ایرار، ۱۳۷۴/۱/۱۴.

۱۴. ترکیه در حمله نظامی خود به شمال عراق از تانک‌هایی که ناتو در اختیار آن گذاشته، استفاده کرده است. بر اساس قرارداد کنترل تسلیحات در اروپا، ترکیه تنها در سال ۱۹۹۳ بیش از ۱۰۰۰ دستگاه تانک آمریکایی و آلمانی از ناتو دریافت کرده است.

۱۵. سلام، ۱۳۷۴/۲/۶.

۱۶. ایرار، ۱۳۷۴/۱/۱۴.

۱۷. اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۲۴.

۱۸. ایرار، ۱۳۷۴/۱/۱۵.

۱۹. ایران، ۱۳۷۴/۱/۱۹.

20. EIU, Turkey Country Report, No. 1, 1992, p. 17.

۲۱. آلاسیدر درایسدل و جرالد اچ بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دژه میرحیدر (مهاجرانی) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹) ص، ۲۱۵.